فهرست

[مقدمه 2](#_Toc89605779)

[ادامه نکته اول: معنای ابتلا 2](#_Toc89605780)

[معانی چهارگانه ابتلا 2](#_Toc89605781)

[مقصود نبودن معنای اول و دوم در روایت 3](#_Toc89605782)

[تنافی نگاه اختیاری با جلالت شأن علی ابن سوید 4](#_Toc89605783)

[نکته دوم: معنای یعجبنی 5](#_Toc89605784)

[نکته سوم: نگاه به کدام عضو؟ 6](#_Toc89605785)

[نکته چهارم: منظور از صدق 6](#_Toc89605786)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

دلیل چهارم برای حرمت نظر یا اقداماتی دیگر اما به‌قصد التذاذ شهوانی عبارت بود از معتبره علی ابن سوید. این روایت در ابواب نکاح محرم باب 1 حدیث 3 وسائل نقل شده بود که اصلش در اصول کافی است. تعبیر و عبارت روایت این بود که «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع إِنِّي مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى‏ الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ- لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ وَ إِيَّاكَ وَ الزِّنَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ وَ يُهْلِكُ الدِّينَ»‏.[[1]](#footnote-1)

در این روایت اختلاف رأی و تفسیر اساسی وجود دارد. از طرفی مرحوم شیخ است که این روایت را بر آنجایی حمل کرده‌اند که اضطراری نیست و عن اختیار نگاه می‌کند و همراه التذاذ است ولی مقصود اصلی او التذاذ نیست. این را امام تجویز می‌کند و فتوای خاصی هم هست. در نقطه مقابل کسانی این روایات را حمل بر نگاه قهری و اضطراری و امثال اینها کرده‌اند. اینکه روایت نگاه را تجویز کرده است نگاهی است که در آن عمدی در کار نیست. قهراً نگاه محقق شده است. اصل نگاه اختیاری و اضطراری و یا غیرعمدی است.

# ادامه نکته اول: معنای ابتلا

در بررسی گفتیم چند نکته در روایت است که باید موردبررسی قرار بگیرد و در تفسیر نهایی مؤثر است. اولین بحث واژه ابتلا بود. من مبتلا به نظر به زن زیبا هستم. این ابتلا به چه معناست؟ آیا ابتلای قهری و اضطراری است یا عادی و طبیعی است که همراه با اختیار و احیاناً قصد است؟ در این محور اول عرض کردیم ابتلا معانی می‌تواند داشته باشد. مروری مجدد بابیان دیگری نسبت به مفهوم ابتلا مناسب است.

## معانی چهارگانه ابتلا

معنای اصلی ابتلا اختبار و امتحان است در مصباح و صحاح این ذکر شده است. ابتلیته یعنی اختبرته. او را آزمودم و چون آزمایش همراه با تقلب در احوال و سختی‌هایی هست در لازم معنا که عبارت باشد از گرفتار شدن و فروافتادن در سختی‌ها استعمال شده است. در معنای اول وقتی می‌گوییم مبتلا شد یعنی اختبار شد. **﴿إِذِ ابْتَلى‏ إِبْراهيمَ رَبُّهُ بِكَلِمات﴾**‏.[[2]](#footnote-2) در معنای دوم که لازم معناست ابتلا یعنی دچار حالات سخت و گرفتاری‌هایی شد ولو اینکه مقصود اختبار نباشد. ابتلا به معنای همان دچار حوادث سنگین و سخت شدن و دچار محنت و سختی شدن را ابتلا نامیده‌اند. این معنای دومی است که برای ابتلا از باب انتقال از ملزوم به لازم که در لغت زیاد است به کار می‌رود. از این هم این واژه به معنای سومی منتقل شده است که ابتلا یعنی نه مواجهه با امور سخت و حوادث ناگوار بلکه مواجهه با اموری که مستمر است و عادت در آن وجود دارد. مبتلای به این امر است گاهی یعنی دچار امر عادی و مستمری است. چهارم اینکه این قیود هم کنار می‌رود ابتلا یعنی سروکارش با اوست ولو غیر مستمر است. در تنجز علم اجمالی باید همه اطراف محل ابتلا باشد و الا منجز نیست. ابتلا اینجا یعنی ولو یک بار. در دسترس باشد. این سه و چهار به هم نزدیک است شاید سه جدا از چهار باشد شاید نباشد.

این سیر معانی ابتلا است. معنای اصلی همان اختبار است ولی چون اختبار با تقلب احوال و سختی و گرفتاری همراه است گاهی در لازم معنا که گرفتاری و سختی است استعمال شده است. و چون گرفتاری همواره با واقعه است به معنای دست و پنجه باکاری به‌کاررفته است یا به شکل دائمی یا به شکل یک بار.

سؤال: معانی غیر از معنای اول مجازی‌اند؟

جواب: ابتدا مجازی بودند ولی بعید نیست در اصطلاحات متأخر تبدیل به حقیقت شده باشند. مثلاً وقتی در اصول یا فقه میگویند اطراف علم اجمالی از ابتلا خارج بود کسی معنای مجازی به ذهنش نمی‌آید. قاعدتاً در استعمالات متأخر به معنای حقیقت است. البته در معنای دوم که مواجهه با امر سختی که گرفتاری است بعید نیست. دامن‌گیرش شد. مفهوم اختبار را ازدست‌داده است ولی لازم اختبار در آن محفوظ مانده. اما شاهدیم مواردی که از معنای دوم هم عبور کرده است. مبتلاست یعنی با آن مواجه است. مخصوصاً در اصطلاحات فقهی و اصولی این استعمال زیاد است. این معانی است که برای ابتلا ذکر می‌شود. اما اضطرار و اینها در معنای ابتلا نیست. مبتلاست یعنی مضطر است این مفهوم دیگر است. و اگر در این معنا به کار رود مجازی است. این معنای متأخری است و اگر استعمال شود معنای مجازی دارد.

## مقصود نبودن معنای اول و دوم در روایت

با این توضیحات تکمیلی به نظر می‌آید با توجه به استعمال فراوان این ماده ابتلا در غیر امتحان و اختبار روشن است اینجا در اختبار به کار نرفته است. مقصودش این است که با این مسئله مواجه می‌شوم. ولی نوعی گرفتاری در آن هست یا نه خیلی شاید تأثیر نداشته باشد. اگر گرفتاری باشد شاید خودش هم نمی‌خواهد. اما همان نمی‌خواهد هم اگر نوعی سختی در آن باشد کافی است که بگوییم به معنای دوم به‌کاررفته است و به نظر می‌آید بیشتر همان معنای سوم و چهارم مقصود است. «مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى‏ الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ»‏. یعنی زندگی من طوری است که با این مواجه می‌شوم. اینکه غیر اختیاری است یا اضطراراً حاصل شده است این غیر معنای متعارف است.

بنابراین در ابتلا که اینجا آمده بعید است مفهوم غیر قصدی و غیرعمدی و قهری و اضطرار وجود داشته باشد. آنی که جمعی می‌گویند و شاید بیشتر هم می‌گویند این است که انی مبتلی یعنی من نوعی گرفتاری دارم که از اختیارم خارج است. این بعید است. اگر کسی این را به کار ببرد باید بر معنای گرفتاری حمل کند و به گرفتاری را به معنای قهر و اضطرار و معنای غیر اختیاری به کار ببرد که بعید است. ظاهر عرفی روایت این است که در حالت متعارف زندگی و چرخش زندگی می‌گوید مبتلی به این هستم.

سؤال: مبتلای به مرض مثلاً ذکر شده که نوعی گرفتاری است. غیر اختیاری هم هست.

جواب: این خصوصیت مورد است. مبتلا به سفر شد اینجا دیگر اختیاری است.

سؤال: اینجا مشخص نیست جزء کدام قسم است شاید غیر اختیاری باشد.

جواب: شاید ولی ظاهر روایت این است که در گردش عادی زندگی این‌طور است نه اینکه غیر اختیاری چشمش افتاده است

سؤال: نوعی ناخواستگی اینجا هست

جواب: ناخواستگی همین است که می‌داند شرع حکمی دارد و این ابتلا اگر حالت گرفتاری داشته باشد بااینکه این گرفتاری ناشی از نوعی اشکال شرعی باشد سازگار است. ظاهرش این است. اینکه او را نگران می‌کند جنبه شرعی در قصه است.

این بحث اول است. «إِنِّي مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى‏ الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ»‏. اگر بخواهد حمل بر ابتلای قهری بدون قصد و اختیار شود یعنی ابتلایی که قصد در آن نیست بلکه مواجهه قهری با یک قصه است یعنی بدون اختیار با مسئله مواجه شد این ابتلا شاید مقداری بعید باشد. به‌خصوص «فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا»‏ شاید احتمال شیخ را تقویت کند. این یک بحث.

## تنافی نگاه اختیاری با جلالت شأن علی ابن سوید

در همین‌جا نکته‌ای در ذیل همین بحث گفته شده است و آن اینکه جلالت شأن علی ابن سوید اقتضا می‌کند که ابتلای قهری و غیر اختیاری اینجا مراد باشد. علی ابن سوید دارای مقاماتی است. بر اساس بعضی روایات که خودش نقل کرده موردتوجه خاص امام کاظم است. ایشان از امام صادق و امام کاظم و ظاهراً از امام رضا نقل کرده است. در دوره‌ای که امام کاظم در زندان بوده‌اند او با امام مکاتبه کرده و امام از او تمجید کرده است البته چون خودش نقل کرده موردتردید است و جهات ضعف سندی دیگر هم دارد. جلالتی داشته که باعث شده بگویند حمل این نکته بر نظر اختیاری بعید است.

جوابی که داده‌اند اینکه این سؤال شاید در دوره‌های جوانی او بوده است و آن موقع در جلالت شأن او مشخص نبوده است. اگر ایشان راوی از امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام باشد این جواب مقداری بعید است. از امام کاظم نقل می‌کند شاید این پاسخ صحیح نباشد. جهت دیگر به‌عنوان احتمال است که گفته شود گاهی این سؤالات فرضی طرح می‌شده است. گاهی فرضی سؤالاتی را مطرح می‌کردند و به خودشان نسبت می‌دادند. سوم اینکه منافاتی با جلالت شأن او ندارد. اینکه کاری داشته و با این قصه مواجه می‌شده می‌توانسته او را تنظیم کند که مبتلا نشود ولی برخورد داشته سات این معلوم نیست با جلالت شأن سازگار باشد. چهارم اینکه جلالت شأن او هم محل تردید است چون روایتش را خودش نقل می‌کند و معتبر نیست. بنابراین مجموعه این چند جواب کافی است که ان قلت برای ما تمام نباشد و بشود این را همان‌طور که شیخ فرموده برجایی حمل کرد که نگاه قهری نیست بلکه نگاهی است در یک تعامل عادی روزانه.

سؤال: دنباله روایت می‌گوید «إِيَّاكَ وَ الزِّنَا»‏.

جواب: بله شاهد اینکه این منافاتی با جلالت شأن ندارد این است که می‌گوید «إِيَّاكَ وَ الزِّنَا»‏.

البته در «إِيَّاكَ وَ الزِّنَا»‏ احتمال غیر ظاهر دیگری وجود دارد که زنای چشم را می‌گوید. نگاه متلذذانه را نهی می‌کند چون زنا در معانی دیگر هم به‌کاررفته است.

 در ترجمه‌هایی هم که از کافی است این را بر معنای مشهور و جمع بیشتری که گفته‌اند مقصود نظر قهری غیر اختیاری است حمل کرده است. در پرانتز می‌نویسد غیر اختیاری. اما مرحوم شیخ می‌فرمایند منظور نگاه قهری نیست بلکه نگاه در حال اختیار است ولی امام قید زده است. این یک بحث است.

# نکته دوم: معنای یعجبنی

بحث دوم در این یعجبنی است. «يُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا»‏ اعجاب هم ازلحاظ لغوی بدین ترتیب است. عجب شگفتی و تعجب است اعجاب یعنی چیزی شخص را به تعجب وادارد. به‌تدریج به‌کاررفته است که یعجبنی یعنی اینکه به او حال خوشی دست دهد. از تعجب در معنا منتقل شده حال خوشی دست می‌دهد. تا اینجا از معنای اصلی منتقل به معنای لازم شده است. اما آنچه مهم است این است که اعجاب که نظر شخص را معجب می‌کند این اعجاب و ابتهاجی که به او دست می‌دهد از باب ابتهاج از صور و هیئات جمیله است که در انسان حال خوشی ایجاد می‌کند یا مخصوص التذاذ شهوانی است؟ این هم دو احتمال در اینجاست که «يُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا»‏ ممکن است کسی بگوید یعنی ابتهاج متعارف در نگاه به هیئات جمیله و حسنه و از باب نگاه زیباشناختی طبیعی و هنری مبتهج می‌شود و احتمال دیگر این است که التذاذ شهوانی مراد است. اما غالباً می‌گویند منظور التذاذ شهوانی است. چون حال طبیعی قصه التذاذ شهوانی است. این هم مهم است. اگر بگوییم احتمال اول مراد است یعنی پسند زیباشناختی و غیر شهوانی مقصود است این روایت معنای متفاوتی می‌دهد. این روایت می‌گوید من دچار نگاه به زن زیبارو هستم که باعث ابتهاج من می‌شود ولی نگاه غیر شهوانی. مثل دیدن تابلو یا نقاشی زیبایی که می‌بیند و حال خوشی به او دست می‌دهد. مثل صور جمیله یا در نگاه مردها به هم یا زن به زن. این تابلو جمیل را می‌بیند خوشش می‌آید. این مقصود است که اگر این باشد با جلالت شأن او هم سازگار است. مبتلا به نظر به مراه جمیله ام مثل نظر به تابلوی زیبا موجب اعجاب من می‌شود. جواب هم امام می‌دهد که تا زمانی که نیتت صدق است یعنی تا زمانی که برمدار شهوت نیست اشکال ندارد مگر اینکه در مدار شهوت قرار بگیرد. «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ»‏ یعنی مرز اینها خیلی به هم نزدیک است و خودت می‌دانی و خدای خودت اگر نگاهت شهوانی نیست لابأس. این یک احتمال است که ما سابق این را بعید نمی‌دانستیم اما غالباً می‌گویند اینجا منظور التذاذ شهوانی است. آن هم با مناسبات حکم و موضوع. چون نگاه به زن زیبارو نگاه مثل تابلوی هنری باشد بعید است. لذا فقها بر التذذ شهوانی را در نظر می‌گیرند. علی‌رغم اینکه معنای اول را قبلاً ترجیح می‌دادیم اما بعید نیست حرف غالب فقها درست باشد که اعجاب منظور شهوانی است نه اعجاب ازنظر زیبایی.

سؤال: طبق این احتمال ادامه روایت می‌گوید اگر از ابتدا قصدت این نبوده...

جواب: بله اگر یعجبنی منظور اعجاب شهوانی است جواب امام که می‌گوید «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ»‏ یعنی وقتی تو دنبال این نبودی و خودش حاصل شده است و قصد نکردی و کارت بوده و التذاذ حاصل شده است. شیخ این‌طور معنا می‌کند.

سؤال: شیخ می‌گوید حتی اگر اختیاری هم باشد ولی بالتبع باشد اشکال ندارد.

جواب: بله یعنی حالت غیر استقلالی دارد. قصد استقلالی ندارد.

# نکته سوم: نگاه به کدام عضو؟

نکته سوم که از آن گذشتیم و سریع بیان کنیم این است که النظر الی المرأه الجمیله مقصود نگاه به چه عضوی است؟ مقصود نگاه به‌صورت است. الی المرأه الجمیله دارد و جمال عمدتاً در صورت و اینها ظهور و بروز دارد. قدر متیقنش این است و بیش از این باشد معلوم نیست.

# نکته چهارم: منظور از صدق

نکته چهارم اینکه «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ»‏ است. مقصود از این صدق چیست؟ در جمله اخیره که جمله شرطیه هم هست و مفهوم هم دارد از معدود روایاتی است که مشتمل بر عنوان نیت و قصد است. نیتک الصدق یعنی پای نیت و قصد را به میان آورده است. می‌فرماید الصدق و این تابع این است که قبلی‌ها را چه طور معنا کنیم. معنای متعارف این است که در تو صداقتی وجود دارد اما صدق چیست احتمالاتش بر اساس تفاسیر فرق می‌کند. یک احتمال این است که اگر قبلی را بر نگاه غیر شهوانی حمل کنیم و یعجبنی اعجاب هنرجویانه باشد و نه شهوانی در این صورت نیت صادقه او یعنی شهوت در آن نیست. نگاه ولو عمدی کرده است که نگاه شهوانی نبوده است و اعجابش از باب امر هنری بوده است. پس صدق مقابلش غیرصدق است و آنجایی است که شهوتی در کار باشد. یعنی قصد شهوانی نیست. نگاه پاک یعنی نگاه غیر شهوانی مراد است. اگر نگاه شهوانی نبود اشکالی ندارد. این از بحث ما خارج می‌شود.

سؤال: از بحث ما جدا می‌شود یعنی حرمت نگاه شهوانی را می‌رساند

جواب: بله. گفتیم قدر متیقنی روایت دارد که همه قبول دارد. آنجا که قصد استقلالی شهوانی عمدی داشته باشد این روایت می‌گوید حرام است. ولی دایره شمول را بحث باید بکنیم.

1. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص308، أبواب أبواب النكاح المحرم وما يناسبه، باب1، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/308/%D8%A7%D9%84%D9%92%D8%A8%D9%8E%D8%B1%D9%8E%D9%83%D9%8E%D8%A9%D9%8E) [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره بقره، آیه 124. [↑](#footnote-ref-2)